

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۱۸ مارچ ۲۰۱۵

## فوتبال و سیاست

### در حاشیه برخورد به مسابقه تیم فوتبال ایران و سویدن در استکهلم

فدراسیون ملی فوتبال سویدن، از تیم ملی فوتبال ایران دعوت کرده است تا در روز سه‌شنبه ۳۱ مارچ ۲۰۱۵ - ۱۱ فروردین ۱۳۹۴ در استادیوم ۵۰ هزار نفری «فرننز آرنا» استکهلم در مقابل هم قرار گیرند. با این مسابقه، تیم فوتبال ایران نود و چهارمین تیم ملی فوتبال جهان خواهد شد. گفته می‌شود تاکنون حدود سی هزار بلیت مسابقه مابین تیم‌های ملی فوتبال ایران و سویدن، به فروش رفته است.

در رده‌بندی تازه فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا)، تیم ملی فوتبال ایران در رده ۴۲ جهان و سه پله بالاتر از سویدن قرار گرفته است. سویدن در این رده‌بندی رتبه ۴ را به خود اختصاص داده است.

در رده‌بندی فیفا تیم‌های ملی فوتبال آلمان، ارجنتاین و کلمبیا رده‌های نخست تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. رده‌بندی تیم‌ها بر اساس بازی‌های آن‌ها و نیز حضور آن‌ها در جام جهانی و یا در جام ملت‌ها انجام می‌شود.



در پی انتشار خبر مسابقه تیم فوتبال ایران و تیم سویدن در استکهلم، بحث‌های مخالف و موافق زیادی در رسانه‌های سویدی و ایرانی به ویژه رادیو همبستگی راه افتاده است. هدف این مطلب نیز پرداختن به این مسأله، به ویژه جواب به این سؤال که آیا ورزش به ویژه فوتبال یک حرکت تفریحی و اجتماعی است یا به یک ابزار اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی سرمایه‌داران و حکومت‌های سرمایه‌داری تبدیل شده است؟

آمینه کاکاباوه، یکی از نمایندگان زن پارلمان سویدن از حزب چپ، نسبت به برگزاری مسابقه تیم ملی فوتبال این کشور با ایران انتقاد کرده است.

روزنامه «افتون بلادت» Aftonbladet سویدن، مقاله‌ای از آمینه کاکاباوه منتشر کرده که در آن از فدراسیون فوتبال سویدن درخواست کرده که بازی دوستانه اواخر ماه مارچ تیم‌های ملی ایران-سویدن را لغو کند.

وی در این مقاله خود با اشاره به وضعیت زنان در ایران، نوشته است: «در جامعه ایران تحت لوای دیکتاتوری فاشیسم‌گونه روحانیون، حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی که مردان در آن حاضر باشند ممنوع است.» «اگر این مسابقه در ایران برگزار می‌شد زنان حق حضور در آن را نمی‌داشتند.»

آمینه، ضمن تقاضا از فدراسیون فوتبال سویدن برای لغو این بازی، همزمان تأکید می‌کند که اگر در هر صورت این بازی برگزار شود، اما حقیقت شکنجه و تجاوز در زندان‌ها، اعدام و حقوق انسان و فساد در ایران نباید پنهان گردد. این مقاله آمینه در رسانه‌های سویدنی و فارسی زبان انعکاس وسیعی یافته و افکار عمومی جامعه سویدن را بیش از پیش متوجه آپارتاید جنسی حکومت اسلامی ایران، کرده است. البته در این میان، لابی‌های حکومت اسلامی ایران در سویدن، و همچنین لیبرال‌ها از این مقاله آمینه به شدت برآشفته شده‌اند.

پایگاه اینترنتی «افتون بلادت» Aftonbladet سویدن، همچنین در گزارشی به بررسی جنبه‌های این دیدار دوستانه پرداخته و معتقد است سویدن نباید با ایران دیدار دوستانه برگزار کند و این دیدار باید لغو شود.

سیمون بانک روزنامه‌نگار سویدنی پیش از دیدار با ایران، با نگاه منفی به این دیدار معتقد است جریان‌های سیاسی و غیرفوتبالی را باید در برگزاری این دیدار دوستانه در نظر گرفت.



در این میان این سؤال مهم مطرح است که آیا فوتبال ورزش اجتماعی و سرگرمی و تفریح سالم است یا سیاست و تجارت؟ بی‌تردید فوتبال ورزش است ولی فقط به ورزش محدود نیست. چرا که مدت‌هاست که مسابقات فوتبال، به یک تجارت بزرگ برای سرمایه‌داری و تبلیغات ناسیونالیستی و نژادپرستی تبدیل شده است. به عبارت دیگر، فوتبال در اتحاد با قدرت و حاکمیت و سرمایه در میدان‌های رقابتی برگزار می‌شود. در واقع گرایش‌های ناسیونالیست و نژادپرست و قدرت‌های حاکم و کاپیتالیسم از فوتبال سوءاستفاده‌های تجاری و تبلیغی و سیاسی می‌کنند.

اکنون با شبکه‌های اجتماعی، به ویژه تلویزیون، فوتبال بخشی از سرگرمی دایمی مردم سراسر جهان شده است. اما بسیاری از بینندگان این مسابقات، از پشت پرده تیم‌های فوتبال و در این که در ریاست این تیم‌ها و باشگاه‌هایشان چه وقایعی رخ می‌دهد، بی‌خبرند.

میلیون‌ها نفر وقتی تویی دروازه حریف را می‌شکافد گاهی تا حد دیوانگی شادمانی می‌کنند و میلیون‌ها انسان دیگر به همان نسبت غمگین می‌شوند، گاهی کار به ناسزاگویی و حتی درگیری فیزیکی شدید نیز کشیده می‌شود. باشگاه‌های ورزشی و حکومت‌های دیکتاتوری مانند حکومت اسلامی، هنگام مسابقات گروه‌های خشونت‌طلب و نژادپرست طرفدار خود را به میدان‌های مسابقات می‌برند و عامل درگیری و خشونت و نژادپرستی می‌شوند. آن‌ها حتی پس از پایان مسابقات، در خیابان‌ها و متروها و بارها و کافه‌ها، دست به خشونت و تخریب اموال عمومی می‌زنند.

دوم نومبر ۲۰۱۱ بود که پولیس انگلیس جان تری کاپیتان چلسی و تیم ملی انگلیس را به بازجویی به اتهام عتاب‌های نژادپرستانه علیه آنتون فردیناند بازیکن کوئینز پارک رنجرز طی دیدار دو تیم لندن فری خواند. در فلم ویدئویی نشان داده شده در دادگاه تری خطاب به فردیناند او را «سیاه لعنتی...» خطاب کرده بود. تری در دادگاه گفت از فردیناند پرسیده بود: «... هی آنتون فکر می‌کنی من تو را سیاه لعنتی... خواندم؟» او در دادگاه اولیه محکوم شد و در سوم فبروری ۲۰۱۳ بازوبند کاپیتانی را از او گرفتند (آن چه سرانجام به جدائی فابیو کاپلو از تیم ملی انگلیس انجامید). دادگاه‌های بعدی طولانی‌تر شدند. آن چه سرانجام او را به دشنام دادن و نه نژادپرستی محکوم کرد و برای تری چهار جلسه محرومیت و جریمه مالی ۲۲۰ هزار پوندی - یک رکورد صفر به ارمان آورد. ولی چهار جلسه محرومیت او مورد انتقاد قرار گرفت. لویی سوارز بازیکن لیورپول در همان دوران برای دشنام‌های نژادپرستانه به پاتریس اویرا مدافع سیاهپوست منچستر یونایتد با ۸ جلسه محرومیت روبرو شده بود. پس از آن بود که رسانه‌های بریتانیایی تری و چلسی را مورد انتقاد شدید قرار دادند. این که تری هرگز شخصا از فردیناند عذرخواهی نکرد و این که باشگاه چلسی به حمایتش از تری ادامه داد و بازوبند کاپیتانی تیم را از او نگرفت. تری همان روزها با تیم ملی وداع کرد.

هفدهم فبروری ۲۰۱۵، «بری پول نولان (Brit Paul Nolan)»، «شهروند پارسی از سر کار خود به خانه بر می‌گشت بی‌خبر از آن که تیم فوتبال «پاریس سن ژرمن» میزبان تیم لندن «چلسی»، در اولین دور از مسابقه‌های «جام باشگاه‌های اروپا» است.

نولان که از ایستگاه مترو «ریچلیو درو (Richelieu-Drouot)» به خانه می‌رفت، می‌بیند گروهی از هواداران تیم چلسی فحش می‌دهند، فریاد می‌زنند و تهدید می‌کنند؛ آن‌ها سکه‌پرتاب کرده و به زور مردم را از قطار پیاده می‌کردند.

نولان که از این صحنه‌های خشونت‌بار و مشمئزکننده به شدت ناراحت شده بود، با تیلیفون خود مخفیانه فلم می‌گیرد. تصویرهایی که او ثبت کرده، در سراسر جهان در سر فصل‌ها قرار گرفتند؛ صحنه‌هایی از هواداران که یک مرد سیاه پوست را از واگن قطار بیرون می‌اندازند و فریاد می‌زنند: «ما نژاد پرستیم، ما نژاد پرستیم، ما اینیم، این جوری هستیم»

ویدیویی که نولان پخش کرد، نه تنها یک نمونه آشکار نژادپرستی را بر ملا می‌کند بلکه موجب می‌شود تا موضوعی با این درجه از اهمیت مورد بحث‌ها و تحقیقات بیش‌تر و گسترده‌تری قرار گیرد و افراد مربوطه را به مسئولیت و پاسخ‌گویی وا دارد.

نولان خود به روزنامه «گاردین» چنین می‌گوید: «من ویدیو را برای گاردین فرستادم و هیچ فکر نمی‌کردم تا این حد واکنش عظیمی به دنبال داشته باشد.»

ویدیو، خشم جامعه فوتبال را برانگیخت ولی مهم‌تر از آن، از فرهنگی خبر داد که همچنان در فوتبال وجود دارد. همه، از سرمربی چلسی، «خوزه مورینیو» گرفته تا «راسل برن» کمترین و «دیوید کمرون»، نخست وزیر بریتانیا انزجار خود را از این رفتار ابراز کردند.

کمتر از یک هفته بعد از داستان پاریس، ویدیوی بیرون آمد که فریادها و شعارهای یهودستیزانه افرادی را در یکی از ایستگاه‌های متروی لندن نشان می‌داد که هواداران باشگاه «وست‌هم» هستند. مقامات به باشگاه اخطار دادند که از ورود این افراد به ورزشگاه به صورت مادام‌العمر جلوگیری شود و از مردم نیز خواستند تا اطلاعات خود را برای شناسایی این افراد در اختیار قرار دهند.

گروه «Kick It Out» که علیه تبعیض در فوتبال فعالیت می‌کند، در مورد این ویدیو با پولیس تماس گرفته و پولیس حمل‌ونقل بریتانیا برای دریافت اطلاعات بیشتر خواستار کمک و همکاری مردم شده است.

سرمایه‌داران عرصه فوتبال، هر سال به یک مربی یا فوتبالیست ده‌ها میلیارد تومان مزد می‌دهند تا از قوانین حاکمیت و بازار عدول نکنند. می‌دانیم که در ایران، حکومت اسلامی مستقیم و غیرمستقیم بر باشگاه‌ها کنترل شدید دارد. حتی هنگامی که تیم‌های ورزشی به خارج کشور می‌آیند مأمورین امنیتی آن‌ها را شدیداً کنترل و زیر نظر دارند که دست از پا خطا نکنند و احیاناً به کشورهایی که در آنجا مسابقه می‌دهند، پناهنده نشوند.

ورزش حرفه‌ای است که باید جدا از منافع اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژی مذهبی و غیرمذهبی باشد. بر همین اساس، استفاده از نمادهای سیاسی و مذهبی در مسابقات ورزشی ممنوع است. برای مثال جمله «یا اباالفضل» روی پیراهن رضازاده را هم در آخرین مسابقات بین‌المللی‌اش آزاردهنده بود. بنابراین، حکومت اسلامی ایران، ورزش را به سیاست‌های غیرانسانی و ایدئولوژی ارتجاعی و مردسالاری خود آغشته کرده است به حدی که زنان حق ورود به استادیوم‌های ورزشی را ندارند. چنین سیاستی، رسماً و علناً سیاستی راسیستی و آپارتاید جنسی است.

فوتبال ایران، به معنای واقعی یک بنگاه تجاری و سیاسی است با گردش مالی صدها میلیارد تومان. بنابراین، حاکمیت از چنین کسب‌وکار پررونقی، به ویژه بهره‌برداری سیاسی آن چشم‌پوشی نمی‌کند. فوتبال در ایران، بیشتر از کشورهای دیگر و مستقیم‌تر به قدرت و حاکمیت سیاسی وصل شده است. به همین دلیل رقابت جناح‌بندی‌های درونی حکومت اسلامی در همین عرصه نیز مانند عرصه‌های دیگر جامعه، به شکل زمختی خودنمایی می‌کند. این دخالت حکومت در عرصه ورزش در عزل و نصب‌ها، در روابط باشگاه‌ها با مسئولین محلی و کشوری و در هر گوشه و کنار دیگری از فوتبال به چشم می‌خورد. در عرصه جهانی نیز این حرفه گردش مالی صدها میلیارد دلاری دارد. از این‌رو، در سیستم سرمایه‌داری ستمگر و استثمارگر کنونی، جدائی فوتبال از بازار سرمایه‌داری و قدرت سیاسی حاکم بر جوامع، یک شعار توخالی بیش نیست. چرا که بازی و مسابقات فوتبال بسیار جذاب است و میلیون‌ها تماشاگر برای دیدن بازی‌ها به استادیوم‌های ورزشی ده‌ها هزار نفری می‌روند و یا پای تلویزیون‌ها می‌نشینند و میلیاردها دالر سود نصیب گردانندگان باشگاه‌های ورزشی و صاحبان کمپانی‌ها و رسانه‌های و غیره می‌کنند. به عنوان نمونه، «کوین دی بروین»، شاید مهم‌ترین مثال در بازار تجاری پرسود عرصه فوتبال باشد. بازیکنی که با انتقال ۱۷ میلیونی خود به وولفسبورگ، ۱۱ میلیون سود به باشگاه چلسی رساند. چلسی با قرض دادن بازیکن در جنبه‌های دیگری نیز کسب سود می‌کند. پس فوتبال عرصه نمایش‌های تبلیغاتی تجاری و سیاسی و قدرت‌نمایی ناسیونالیستی و راسیستی و مذهبی است.

در این که فوتبال ابزار سیاست و حاکمیت است، شکی نیست اما این که در پشت پرده آن در جوامع در حال توسعه مانند جامعه ایران و یا در کشورهای سرمایه‌داری مدرن و پیشرفته، چه جریانی یا کسانی نقش بازی می‌کنند عمدتاً در پرده‌پوشی می‌شود.

در دهه هشتاد، سپاه پاسداران نه فقط دولت و کرسی‌های مجلس و مناقصه‌های نفتی و طرح‌های عظیم اقتصادی و مالکیت واحدهای بزرگ صنعتی و تجاری و مافیای قاچاق مواد مخدر، کالا و... که ریاست و هدایت باشگاه‌های ورزشی، به ویژه فوتبال را نیز تصاحب کردند.

تقریباً همه باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی زیر نظر فرماندهان سپاه پاسداران فعالیت دارند. ریاست این تیم‌ها، همواره به دست سرداران سپاه جابه‌جا می‌شوند.

سردارانی چون اکبر غمخوار، مصطفی آجورلو، کریم ملاحی، علی صلاحی، هاشم غیاثی راد، ناصر شفق، احمد رسولی‌نژاد، عزیز محمدی، محمد حسین جعفری، محمد رویانیان، امیدوار رضائی، مقداد نجف‌نژاد، محمد زارع، محمد یوسف شاکری، احمد شهریاری، مجتبی پیمبری، محمد آقامیر و ده‌ها سردار سپاه از جمله افرادی هستند که تاکنون پست مدیر عاملی در تیم‌های مختلف فوتبال را در سطح لیگ برتر داشته و یا در راس مدیریت فدراسیون فوتبال بوده‌اند.

چندی پیش سردار علی‌اکبر پورجمشیدیان، فرمانده سپاه عاشورا به صراحت اعلام کرد که یکی از شاخه‌های فعالیت‌های سپاه پاسداران مسائل فرهنگی است و آنجا که احساس نیاز شود، سپاه وارد شده و تأثیرات مثبت خود را نمایانگر ساخته است که مصداق آن تیم تراکتورسازی تبریز بود. این فرمانده سپاه گفته بود: «تنها مجموعه‌ای که می‌توانست به این مسأله ورود پیدا کرده و مشکلات تیم را حل کند، سپاه بود.»

سید محمد حسین نعمتی، سرپرست کانون بسیج فوتبال تهران، در سخنانی از ایجاد پایگاه‌های بسیج در باشگاه‌های فوتبال خبر داد و آن را خواسته خود باشگاه‌ها دانسته بود.

حسین الشکر، وابسته نظامی مشهور و از گردانندگان گروه‌های فشار و حزب‌اللهی نیز در اظهاراتی در این باره گفته بود که افراد ورزشی به تنهایی نمی‌توانند استراتژی سیاسی کشور را در ورزش پیاده کنند... ما در جهان کنونی برای دست یافتن به حقوق خودمان خصوصاً حقوقی که امروز متصور می‌کنیم در تلاش هستیم با حضور سیاسیون در ورزش، از ظرفیت‌های ورزش کشور برای احیای این حقوق استفاده کنیم.

علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران از ورود این ارگان نظامی و امنیتی در عرصه‌های اقتصادی به عنوان جزئی از رسالت این نهاد خبر داد. اسماعیل کوثری، عضو ارشد سابق سپاه پاسداران و نماینده فعلی تهران در مجلس نیز سپاه را یک نیروی چند بعدی نظامی، اعتقادی و سیاسی معرفی کرده است.

نهایتاً محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران، در مهر ماه گذشته با بیان این که «سپاه دیگر تنها بازوی مسلح و توانمند رهبری نبوده بلکه به عنوان بازوی غیر مسلح ایشان نیز محسوب می‌شود»، گفته بود: «مقام معظم رهبری (مدظله العالی) هیچ‌گونه محدودیتی را برای سپاه در انجام مأموریت در ابعاد مختلف دفاع از انقلاب اسلامی قائل نشده‌اند.»

سیدعلی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی، درباره نفوذ سپاه در همه امور کشور، تأکید کرده است: «سپاه پاسداران، یکی از مراکز صدور نیرو به همه جای کشور در طول این بیست و هفت هشت سال شده است.»

بدیت ترتیب، بسیاری از این افراد هیچ‌گونه سابقه‌ای در زمینه مدیریت ورزشی نداشتند و تنها عامل سوق دادن این سرداران به عرصه ورزش کنترل ورزش کشور، برای کنترل پولیسی و سوءاستفاده‌های اقتصادی و سیاسی

حکومت اسلامی و عوامل و ارگان‌های آن بوده است، ورزش را به کلی از مضمون و محتوای حرفه‌ای خودش خارج کرده و به یک ابزار سیاسی خود تبدیل کرده‌اند.

طبق تحلیل‌ها و گزارشات هر یک از تیم‌های فوتبال در لیگ برتر ایران، در دست فرماندهان سپاه و بسیج است و یکی از پایگاه‌های مهم اقتصادی و سیاسی و تبلیغی حکومت محسوب می‌شوند.

به این ترتیب، اگر نیم‌نگاهی به فوتبال ایران ببینیم به نام «سرداران سپاه پاسداران» برمی‌خوریم. سردارانی که یا مدیرعامل باشگاه‌ها هستند؛ یا ریاست هیئت‌های فوتبال استان‌ها را بر عهده دارند؛ یا در حال خرید و فروش تیم‌ها هستند. صد البته که نظارت و کنترل مستقیم و غیرمستقیم مسایل امنیتی و پولیسی ورزشکاران و حتی تماشاگران بخشی از وظایف آن‌هاست.

در پائین به اسامی تنی چند از سرداران سپاه پاسداران حکومت اسلامی، که در راس تیم‌ها و باشگاه‌های فوتبال ایران قرار گرفته‌اند، اشاره می‌کنیم.

طبق گزارشات یکی از سردارانی که راه ورود سرداران دیگر به فوتبال ایران را باز کرد، «اکبر غمخور» بود که در اوایل دهه ۸۰ به مدیرعاملی پرطرفدارترین تیم فوتبال ایران، یعنی پرسپولیس گمارده شد. او از بنیاد تعاون سپاه و بنیاد مستضعفان به عرصه فوتبال رسید و حالا رئیس کانون‌های مسافرتی و جهانگردی ایران است.

سردار عزیز محمدی، فردی که هم‌اکنون رئیس سازمان لیگ ایران است و مسابقات لیگ برتر ایران تحت نظر و مدیریت او برگزار می‌شود. میلیاردها تومان درآمد فوتبال ایران از جمله تجارت پر سود پخش تلویزیونی مسابقات آگهی‌های آن تحت نظر سردار عزیز محمدی مدیریت می‌شود.

بسیج سازمانی تحت عنوان «سازمان بسیج کشور» دارد که ریاست آن را سردار محمد آقا میر بر عهده دارد. سردار آقا میر پیش از این جانشین فرمانده بسیج تهران، پایتخت ایران، بوده است. او علاوه بر این که رئیس سازمان بسیج ورزش است همچنین رئیس سازمان ورزش شهرداری تهران نیز به شمار می‌رود.

سازمان بسیج مستضعفین که یک نیروی شبه‌نظامی است طی سال‌های گذشته با فرماندهی سرتیپ محمد رضا نقدی، تلاش کرده تا دامنه‌های خود را در دانشگاه‌ها، مدارس، کارمندان، اقشار و اصناف مختلف توسعه و گسترش دهد و حالا به نظر می‌رسد جایگاه این نیروی نظامی در ورزش ایران، به ویژه در فوتبال نیز در حال گسترش است.

در مشهد و استان خراسان رضوی، هر دو تیم معروف مشهدی، یعنی «ابومسلم» و «پیام مقاومت»، توسط سرداران سپاه اداره می‌شوند. سردار علی صلاحی، استاندار کنونی خراسان از دیگر سرداران فوتبال خراسان و ایران است که مدتی مدیرعامل باشگاه پاس و سپس باشگاه پیام مشهد بوده است.

سردار هاشم غیاثی‌راد، جانشین کنونی فرمانده سپاه امام رضا استان خراسان نیز که پیش از این مدیرعامل باشگاه پاس تهران و ابومسلم مشهد بوده، هم‌اکنون از افراد پرنفوذ در میان مسؤولان ورزشی مشهد است.

سردار شاکری، نایب رئیس هیات مدیره باشگاه پیام مشهد نیز از دیگر سرداران فوتبال خراسان است. سردار «مصطفی آجورلو» که مدتی در باشگاه پاس بود و بعدها به سازمان ورزش شهرداری تهران و سپس باشگاه استیل آذین رفت و تا این که به دلیل اختلاف با حسین هدایتی مالک باشگاه بر سر علی کریمی، فوتبالیست مشهور ایرانی از این باشگاه رفت. او همچنان رئیس اتحادیه فوتبال ایران است که تشکیلی غیررسمی صاحبان باشگاه‌ها محسوب می‌شود.

سردار احمد شهریاری مدیرعاملی صبا، یکی دیگر از تیم‌های حاضر در لیگ ایران بر عهده دارد. تیم صبا، وابسته به صنایع باتری‌سازی نیروهای مسلح است و مدیرعامل آن از میان سرداران ارشد انتخاب می‌شود.



در تبریز تا همین چند وقت قبل مدیریت پرطرفدارترین تیم این شهر، یعنی تراکتور سازی بر عهده سردار ناصر شفق بود. خرداد ۱۳۸۹ که سردار ناصر شفق از مدیریت تیم تراکتور سازی تبریز کنار گذاشته شد، از یکی دیگر از سرداران فوتبال تبریز، یعنی محمدحسین جعفری به عنوان مدیرعامل جدید باشگاه تراکتور سازی تبریز نام برده شد.

محمد(انوشیروان) رویانیان، فرمانده کمیته و فرمانده نیروی انتظامی نور و استان مازندران، فرمانده پولیس ۱۱۰، فرمانده پولیس راهنمایی و رانندگی، مدیرعامل کنونی باشگاه پرسپولیس است.

لطف‌الله فروزنده‌دهکردی، معاونت نیروی انسانی سپاه پاسداران استان چهارمحال و بختیاری، معاونت بسیج سپاه پاسداران استان، رئیس ستاد تیپ قمرینی هاشمی استان و فرماندهی سپاه پاسداران استان چهارمحال و بختیاری تا سال ۱۳۷۱ هم اکنون یکی از اعضای هیات مدیره باشگاه پرسپولیس تهران است.

کریم ملاحی؛ از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران مدیرعامل پاس تهران، پاس همدان و ابومسلم مشهد و تراکتور سازی تبریز بود. او اخیراً حکم مشاورت مدیرعامل باشگاه استقلال را دریافت کرده است.

حسن تهرانی مقدم رئیس صنایع موشکی سپاه پاسداران که در انفجار ملارد کشته شد سال‌ها ریاست هیأت مدیره باشگاه صبا باطری، پیکان و ابومسلم مشهد را به عهده داشت.

ناصر شهسواری؛ مسؤول پشتیبانی بخش موشکی سپاه پاسداران سال‌ها مدیرعامل باشگاه‌های ابومسلم مشهد و پیکان تهران و صبا باطری بود. او ۵ سال عضو هیات رئیسه فدراسیون کشتی بوده است.

مصطفی بنی‌اسد؛ نیز مدت‌ها رئیس هیات مدیره سابق باشگاه ابومسلم مشهد بود. «ابومسلم» و «پیام مقاومت» دو تیم مشهدی فعال در لیگ برتر و دسته اول در سال‌های اخیر همواره توسط سرداران سپاه اداره شده‌اند. امتیاز ابومسلم در سال ۱۳۸۵ توسط نیروی انتظامی خریداری شد و سپس به ایران خودرو فروخته شد.

عزیزالله محمدی؛ ۱۱ سال عضو هیئت رئیسه سازمان لیگ برتر، عضو هیئت رئیسه چهار ساله فدراسیون فوتبال، رئیس سازمان لیگ ایران و مسؤول کمیته تیم‌های ملی بود.

مهدی تاج؛ بازنشسته‌سپاه پاسداران، نایب رئیس فدراسیون فوتبال، رئیس سازمان لیگ ایران، عضو هیئت مدیره پرسپولیس و پیش از آن نماینده باشگاه فولاد مبارکه سپاهان بود.

محمد آقا میر؛ رئیس سازمان بسیج ورزش است که هم‌زمان ریاست سازمان ورزش شهرداری تهران را نیز به عهده دارد.

محمد درخشان؛ رئیس کمیته بازاریابی فدراسیون فوتبال ایران، سال‌ها ریاست فدراسیون جودو را به عهده داشت.



علی محمد مرتضوی، مسؤول تیم حزب‌اللهی وحدت و رئیس فدراسیون فوتبال در دهه‌شصت است که مدت‌ها ریاست کمیته استیناف فدراسیون فوتبال را نیز به عهده داشت.

در واقع حضور یکی از سرداران سپاه در راس مدیریتی هر کدام از باشگاه‌های کشور، کافی است تا میلیاردها تومان پول تحت عناوینی چون اسپانسر یا فعالیت اقتصادی به آن باشگاه سرازیر و مشکلات اقتصادی آن را بر طرف کند.

بر همین اساس پس از آن که سردار صلاحی با سمت قائم مقام اقتصادی به باشگاه استقلال آمد در اولین اقدام، اعلام کرد قصد دارد اسپانسر ۹ میلیاردی برای استقلال بیاورد.

در این بین برخی از چهره‌های سرشناس ورزشی کشور، که از صراحت بیشتری برخوردارند بارها انتقادات را نسبت به ورود سرداران سپاه به عرصه ورزش بیان کرده‌اند. محمد مایلی کهن، امیر قلعه نوئی و علی دائی سه مربی فوتبال ایران در کنار علی کریمی بارها انتقاداتی را خطاب به مدیران سیاسی و نظامی حاکم بر فوتبال ایران مطرح کرده‌اند.

مایلی کهن در گفتگویی با اشاره به حضور سردار محمد رویانیان رئیس ستاد سوخت کشور در راس مدیریت باشگاه پر طرفدار پرسپولیس و عملکرد وی گفته بود: «واقعیت امر این است که مشکل ورزش ایران این است که تخصص جایی در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها ندارد. من نوعی که پوست و استخوان و گوشتم از ورزش است باید خانه‌نشین باشم و دیگران در این فوتبال حضور داشته باشند و آقایانی بیایند که در ستاد سوخت هم تخصصی ندارند اما چون فوتبال تابلو دارد و در پایان مشخص می‌شود که چند چند باخته‌ای نمی‌توانند فرار کنند. مطمئن باشید اگر در سوخت هم تابلوی نتایج بود آن‌ها هزار بر صفر باخته بودند.»

علی دائی، چندی پیش جدال لفظی تندی با سردار رویانیان داشت؛ رویانیانی که این جمله او یک عده آشغال می‌گویند این رهبر، نظام و قانون را باید تغییر داد، در ایام اعتراضات مردمی به نتایج انتخابات خرداد ۸۸ به قدر لازم شهره شد.

دائی با بیان این که مشکل ورزش ما همین است که افراد سیاسی و غیر فوتبالی به آن می‌آیند به حضور سردار رویانیان در هیئت دولت و سفارش احمدی‌نژاد برای انتصاب او به سمت مدیرعاملی پرسپولیس اشاره کرد و گفت: «این آقا را به غیر از راهنمایی و رانندگی، جایی دیده‌اید؟ تو هستی که توسط بنده خدا یک روز است به این فوتبال آمده‌ای و یک روز هم که آن بنده‌خدا برود می‌روی. من از یک من ریش تو نمی‌ترسم.»

امیر قلعه نوئی سرمربی تیم استقلال تهران نیز اظهارات شدید اللحنی را علیه نظامیان و سیاسیون ورزش مطرح کرد و گفت: «آدم‌های سیاسی به فوتبال می‌آیند، آن‌ها بهتر است بروند. این آقایان اگر در صنعت و کارهای نظامی کارشان را بلد بودند در همان عرصه فعالیت می‌کردند چرا صنعتی‌ها و نظامی‌ها را به فوتبال آوردید؟ مگر من را مدیرعامل سایپا و یا ایران‌خودرو می‌گذارند؟»

قلعه نوئی در ادامه با بیان آن که «این افراد با ارتباطاتی که دارند به ورزش می‌آیند و مشهور می‌شوند. آن‌ها دنبال شهرت هستند نه محبوبیت.» وی با انتقاد از ترکیب هیئت مدیره برخی باشگاه‌ها گفت: «این اعضای هیئت مدیره از کجا می‌آیند؟ می‌گویند آن‌ها قدرت سیاسی دارند ما این قدرت سیاسی را نمی‌خواهیم.»

همچنین وجود برخی از افراد دارای سوابق امنیتی و اطلاعاتی در ورزش و فوتبال مانند مهدی تاج، سردار حسین هدایتی هم از جمله سرداران سپاه‌اند که سوابق اطلاعاتی و امنیتی نیز دارند پس از حضور سؤال برانگیز آن‌ها در ریاست و هیئت مدیره تیم فوتبال پرسپولیس و تملک باشگاه استیل اذین است.

سردار سپاه «حسین هدایتی»، مولتی میلیاردر است. در زمانی که در هیئت مدیره تیم پرسپولیس بود با صرف مبالغ بسیار سعی در خرید بازیکن برای تیم و پرداخت بدهی‌های تیم را داشت و با وجود همان منابع مالی زیاد و معلوم



نیست از کجا آمده اقدام به خرید امتیاز باشگاه استیل اذین نمود. این سردار قبل از آن که تاجر و کارخانه دار شود و صاحب اسم در فوتبال مسؤول پرسنلی سپاه ناحیه ۱۰ تهران بوده و همچنین عضو بسیج مقاومت پایگاه مالک اشتر هم بوده است.

حجت‌الاسلام علی‌پور، شیخی که پیش‌تر از این در دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران مشغول به کار بوده و اکنون معاون فرهنگی فدراسیون فوتبال ایران است.

پس از آن که روز جمعه ۳۰ خرداد ۱۳۹۳، پولیس حکومت اسلامی ایران از حضور زنان در ورزشگاه دوازده هزار نفری آزادی جلوگیری کرد منابع خبری از ممنوعیت ورود خبرنگاران زن به سالن ورزشگاه آزادی برای پوشش دومین دیدار تیم‌های ملی والیبال ایران و ایتالیا خبر دادند.



ممنوعیت تماشای مسابقه‌های مردان از سوی زنان در ورزشگاه‌های ایران

بعد از برخوردهای قهرآمیز با زنان درخواست کننده ورود به ورزشگاه‌ها، گروهی از فعالان حقوق زنان و علاقه‌مندان والیبال با ارسال نامه‌ای به فدراسیون جهانی والیبال نسبت به ممنوعیت ورود زنان ایرانی به سالن‌های ورزشی و استادیوم‌ها اعتراض کردند و خواستار رسیدگی به این مسأله شدند. در همین راستا رسیدگی به عدم حضور تماشاگران زن ایرانی در مسابقات تهران یکی از مهم‌ترین موارد اجلاس دپارتمان لیگ جهانی گذشته بود.

پیش از این، تنها برخی خبرنگاران زن و عوامل اجرائی مسابقه مانند منشی‌های زن اجازه حضور در سالن را داشتند. این در حالی‌ست که به گزارش ایرنا، ورود خبرنگاران زن در سه دیدار آینده تیم والیبال ایران به سالن ۱۲ هزار نفری آزادی ممنوع شده است.

در خرداد ماه ۹۳، اصرار زنان برای دیدن مسابقات والیبال تیم ملی والیبال در ورزشگاه آزادی با حاشیه‌هایی همراه بود، حاشیه‌هایی که در برخی منابع خبری و شبکه‌های اجتماعی نیز بازتاب یافت.

از جمله حاشیه‌های روز جمعه، بازداشت برخی از زنان متقاضی حضور در ورزشگاه از سوی نیروی انتظامی بود. این در شرایطی بود که برخی از زنان خبرنگار نیز که کارت ویژه فدراسیون والیبال را برای تماشا و گزارش بازی گرفته بودند، ابتدا وارد سالن شدند و پس از دقایقی مسؤولان نیروی انتظامی آن‌ها را از ورزشگاه بیرون کردند. مسؤولان نیروی انتظامی به این خبرنگاران گفتند که فقط زنانی که از عوامل اجرائی مسابقه هستند حق حضور در سالن را دارند.

پیش از این در حاشیه بازی تیم ملی والیبال ایران با برزیل گزارش شد که برخی از زنان هوادار تیم ملی ایران با پوشیدن پیراهن تیم برزیل و به نام هوادار این تیم توانستند وارد ورزشگاه شوند.

بی‌شک با توجه به تلاش‌هایی که برای باز شدن درهای ورزشگاه‌ها به روی خانم‌ها در داخل و خارج کشور جریان دارد، به زودی شاهد حضور آن‌ها در ورزشگاه‌ها و سالن‌های مسابقات خواهیم بود.

گودرزی وزیر ورزش کابینه حسن روحانی پس از انتقاد شدید سپ بلاتر رئیس فیفا در مورد جلوگیری از ورود خانم‌ها به ورزشگاه‌ها گفته است: «این موضوع در یکی از کمیته‌های شورای امنیت ملی در حال بررسی است. وزیر ورزش یادآور شده که در این رابطه کار گروهی تشکیل شده و چهارچوب‌هایی نیز تعیین گردیده است.»

به گفته گودرزی امکان دارد خانم‌ها در آینده نزدیک با رعایت برخی ضوابط در ورزشگاه‌ها حاضر شوند که البته به رعایت شئون اسلامی هم در این زمینه تأکید شده است. و در صورت تدوین این چهارچوب‌ها حضور بانوان در ورزشگاه‌ها اتفاق بسیار خوبی خواهد بود.

سپ بلاتر در یادداشتی که در هفته‌نامه فیفا به چاپ رسانده از مسوولان ورزشی ایران خواسته است در راه حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌ها مانعی ایجاد نکنند.

علی کفاشیان رئیس فدراسیون فوتبال ایران نخستین کسی بود که به گفته‌های سپ بلاتر واکنش نشان داد. او مدعی شد ورود زنان خارجی به استادیوم‌های فوتبال در ایران بلامانع است!



گفتنی است که سپ بلاتر در سفر چندی پیش خود به ایران با حسن روحانی رئیس جمهوری حکومت اسلامی دیدار و در این باره با او مفصل صحبت کرده و از او خواسته بود تا شرایط را برای حضور خانم‌ها به ورزشگاه‌ها مهیا نماید. اما در یادداشت اخیر خود از این که هنوز در ایران زنان را به استادیوم‌ها راه نمی‌دهند، اظهار تعجب کرده است. او در این یادداشت تأکید کرده که نمی‌توان درهای استادیوم‌ها را بیش از این بر روی خانم‌ها بسته نگاه داشت.

در همین حال دکتر الهه عرب عامری نایب رئیس فدراسیون فوتبال در امور زنان نیز در مورد سخنان سپ بلاتر گفته است: «بر اساس تأکید و شرط سپ بلاتر برای حضور بانوان در ورزشگاه‌ها در ازای اعطای میزبانی مسابقات بین‌المللی، نیاز به زمان داریم و ما به سرعت نمی‌توانیم این مسأله را نهایی کنیم.»

فدراسیون جهانی والیبال میزبانی بازی‌های جام جهانی نوجوانان را از ایران پس گرفت؛ کافی است ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه برداشته شود و غنچه قوامی، یکی از معترضان به این ممنوعیت که در زندان است آزاد شود تا ایران از میزبانی چنین مسابقاتی محروم نباشد.

گابریله فان سوآیتن رئیس کمیته برگزاری مسابقات فدراسیون جهانی، در نامه‌ای به فدراسیون والیبال گفته است که ضمن عذرخواهی و سپاس از ایران به خاطر پذیرفتن میزبانی قهرمانی نوجوانان جهان، آرژانتین را به عنوان میزبان این رقابت‌ها معرفی می‌کند.

هرچند در این نامه اشاره‌ای به دلیل این تغییر نشده است، اما آری گراچا، رئیس فدراسیون جهانی والیبال در کنگره جهانی مستقیماً به دستگیری غنچه قوامی به دلیل اعتراض به ممنوعیت حضور زنان برای تماشای والیبال اشاره کرده و گفته است: همکاران من! همان‌طور که می‌دانید زنی به نام غنچه قوامی در ایران ۱۲۶ روز است که بازداشت شده؛ دلیل دستگیری او حضور در مسابقه والیبال ایران و ایتالیا در تهران بود. ما معمولاً در قوانین هیچ کشوری مداخله نمی‌کنیم. اما بر اساس منشور المپیک، فدراسیون جهانی والیبال متعهد به برابری حقوق زنان برای حضور در ورزش است. او همچنین گفته است که برای حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، نامه نوشته و خواهان تلاش او برای آزادی غنچه قوامی شده است.

بیش از ده سال است که زنان ایران برای گرفتن حق ورود به ورزشگاه‌ها تلاش می‌کنند. این تلاش با حضور اعتراضی گروهی از زنان، با عنوان «روسری سفیدها» در مقابل استادیوم آزادی برای تماشای بازی‌های تیم ملی فوتبال آغاز شد و در پی ممنوع شدن تماشای مسابقات ورزشی دیگر، همچون والیبال، با همراهی زنان دیگری ادامه دارد.



در این‌باره برخی نمایندگان مجلس با ورود زنان موافق و برخی مخالف هستند. به عنوان مثال، تیره اخوان بی‌طرف، نماینده اصفهان گفته است: «زنان ایران مسائل حل نشده بسیار زیادی دارند، حالا یکسری از زنان و دختران آمده‌اند و حاشیه درست کرده‌اند و دارند به کمک رسانه‌ها آن را بزرگ می‌کنند، نباید ما را فریب بدهد. این‌ها را من شخصاً نماینده زنان ایران نمی‌دانم.»

لاله افتخار نماینده تهران نیز معتقد است: «بیش از آن که عده‌ای به دنبال بهبود وضعیت زنان باشند، دوست دارند سروصدا راه بیندازند.» اما سخنان منتسب به فاطمه آلیا بیش‌ترین بازتاب را در رسانه‌های حکومتی داشت. این نماینده زن مجلس همانند نمایندگان مرد و اما جمعه‌ها، گفته بود: «کار زن بچه دار شدن و تربیت فرزند و شوهرداری است، نه دیدن مسابقه والیبال. یک عده‌ای می‌خواهند هر طو ر شده به زن نقش‌هایی بدهند که مخالف با وظایف شرعی است.»

اما مسلم است که اگر فوتبال ماهیت واقعی ورزشی و سرگرمی و تفریحی خودش را پیدا کند و از کنترل و تأثیر سودجویی‌های اقتصادی و سیاسی و گرایش‌های نژادپرستی و ناسیونالیست خارج شود تیم‌های فوتبال چه شکست

بخورند و چه پیروز شوند همبستگی انسانی را خدش‌دهار نمی‌کنند از این‌رو، حضور در این مسابقات بسیار جالب و تماشایی هستند. به علاوه تلویزیون‌هایی که مسابقات فوتبال را پخش می‌کنند اگر در میان مسابقه به جای نشان دادن تبلیغات تجاری به میلیون‌ها بیننده خود، نیازها و معضلات و مشکلات واقعی مردم جهان را پخش کنند دیگر جایی برای سودجویی‌های تجاری باقی نمی‌ماند. همچنین اگر این رسانه‌ها در میان پخش برنامه‌های فوتبال، برای مثال، خواهان کمک‌های مردمی به محرومان جهان شوند بی‌شک میلیون‌ها دالر جمع خواهد شد. در حالی که نعمات مادی و معنوی زیادی در جهان بشری وجود دارد اما متأسفانه هم‌اکنون نزدیک به یک میلیارد نفر از مردم جهان، گرسنه هستند؛ صدها میلیون نفر در سراسر جهان زمین بی‌کار و بی‌خانمان‌اند و کودکان کار و خیابانی شرم بشریت است. اما رسانه‌های بورژوازی به این معضلات بشری نمی‌پردازند و اگر هم بپردازند بسیار حاشیه‌ای و باز هم در جهت سودجویی‌شان است.

در کشورهای نظیر کشور ما، از آن‌جا که مردم به فوتبال علاقه دارند، حکومت همواره سعی کرده که این بازی مردمی را تحت کنترل خود بگیرد و در راستای اهداف اقتصادی و سیاسی خود بهره‌برداری کنند. در چنین شرایطی، بازیکنان نیز منافع اقتصادی و سیاسی متفاوتی پیدا می‌کنند. برخی از آن‌ها شدیداً مخالف دخالت حاکمیت و صاحبان قدرت در امور ورزش، به ویژه فوتبال و مخالف سودجویی باشگاه‌های ورزشی هستند. برخی دیگر، خودشان نیز به قدرت و معاملات تجاری باشگاه‌هایشان آلوده‌اند.

همان‌طور که اشاره شد فوتبال یک ورزش و در عین حال ابزاری سیاسی در دست حاکمیت و یک تجارت پول‌ساز است و از آن جهت شدیداً مورد توجه سرمایه‌داران و حاکمان قرار گرفته است. صاحبان باشگاه‌های بزرگ فوتبال سود فراوان از تجارت ورزش می‌برند. به عبارت دیگر، این تجارت با همه تجارت‌های دیگر متفاوت است. چرا که بازرگانان بازار فوتبال از خرید و فروش ورزشکاران و حتی از نام آنان نیز سودهای کلان می‌برند.

به عقیده من، جلو بازی فوتبال ایران در سویدن و هر کشور دیگری را نباید گرفت و نمی‌توان گرفت. اما اپوزیسیون سرنگونی‌طلب حکومت اسلامی، حق دارد در هر جایی و در هر عرصه‌ای جلو تبلیغات و بهره‌برداری‌های اقتصادی و سیاسی حکومت اسلامی از جمله در بازی فوتبال را بگیرند. به عبارت دیگر، اتفاقاً این مسابقه فوتبال به مخالفین جدی حکومت اسلامی این فرصت استثنائی را فراهم کرده است که در داخل و مقابل استادیوم «فرنرز آرن»، ابتکارات متنوعی به خرج دهند: پلاکاردهای افشاگری علیه حکومت اسلامی، از جمله «سرنگون باد حکومت اسلامی ایران»، «به آپارتاید جنسی در ایران پایان دهید»؛ «ورود زنان به استادیوم‌های ورزشی ایران آزاد باید گردد»؛ «به جداسازی جنسیتی پایان دهید»؛ «حجاب اجباری اسلامی لغو باید گردد»؛ «به سانسور و اختناق، شکنجه و اعدام در ایران پایان داده شود»؛ «همه زندانیان سیاسی و اجتماعی در ایران، آزاد شوند»؛ و... همچنین تصاویری از زندانیان سیاسی، دار زدن‌ها، شلاق‌زدن‌ها و چشم درآوردن‌ها به خصوص زنان زندانی و... را برافراشته و در مقابل دوربین‌های تلویزیونی گرفته شود. به علاوه پخش بروشورهایی با همین مضمون شعارهای بالا در میان مردم پخش کنند. البته قبل از این نیز می‌توان از طریق تماس با رسانه‌ها، مسئولین فیفا، فدراسیون فوتبال سویدن و بازیکنان تیم سویدنی، وضعیت ایران و عملکردهای جنایت‌کارانه حکومت اسلامی و آپارتاید جنسی، به ویژه ممنوعیت ورود زنان به استادیوم‌های ورزشی را در میان گذاشت و سمپاتی و همبستگی آن‌ها را با مبارزات بر حق و عادلانه مردم ایران، به ویژه زنان جلب کرد. این بخش از اپوزیسیون به خصوص نیروهای چپ و کمونیست موظفند هم در عمل و هم در نظر نشان دهند که به هیچ‌وجه مخالف مسابقه فوتبال تیم

ایران در سویدن و بازیکنان ایرانی نیستند، بلکه سرسختانه مخالف دخالت و کنترل حکومت اسلامی بر این ورزش مردمی و سوءاستفاده‌های تجاری و سیاسی و سرپوش گذاشتن به جنایات بی‌شمار این حکومت جانی هستند.



بی‌تردید همه نیروهای آزاده، مساوات‌طلب و عدالت‌جو، فوتبال و فوتبالیست‌های انسان‌دوست و آزادی‌خواه را شدیداً دوست دارند اما حق طبیعی انسانی و سیاسی و آزاید بیان آن‌هاست که در همه جا امکان و توان داشته باشند به هیچ جریانی اجازه ندهند تا به بهانه‌های مختلف و از جمله این که گفته می‌شود در این مسابقه، نباید کار سیاسی علیه حکومت اسلامی کرد چنین گرایشی در تلاش است تا به جنایات بی‌شمار حکومت اسلامی به ویژه زن‌ستیزی و آزادی‌ستیزی و آدم‌کشی روزانه آن سرپوش بگذارند.

خلاصه کنم نهایتاً فوتبال ویژه‌گی‌ها و جذابیت‌های فردی و اجتماعی خاص خودش را دارد. اگر به معنای واقعی، فوتبال را به عنوان یک پدیده اجتماعی بپذیریم باید نگاه ما به آن تغییر کند و باید به لایه‌های ناشناخته و پنهان پرداخت. باید حکومت اسلامی ایران را وادار کرد دست از نگاه ابزاری به این ورزش حرفه‌ای و پیچیده بردارد و حرمت این ورزش اجتماعی، داوران و بازیکنان و تماشاگران و جذابیت‌های آن را بیش از این لگدمال نکند.

اکنون فوتبال بیش از هر زمان دیگری از تاریخ بشر، بخشی از زندگی انسان‌هاست، بنابراین دست‌اندرکاران آن نباید اجازه دهند حکومت‌ها از آن بهره‌برداری ابزاری و سیاسی و ایدئولوژیکی کنند.

متأسفانه فوتبال ایران همانند ورزش‌های دیگر و عرصه‌های دیگر جامعه، در منگه قدرت و حاکمیت و مذهب و سرمایه قرار گرفته است و به شدت در رنج و عذاب می‌برد. داوران و بازیکنان و تماشاگران باید در یک صف متحد، در مقابل جنایت‌های حکومت اسلامی بایستند و آپارتاید جنسی آن و ممنوعیت ورود زنان به استادیوم‌ها را محکوم کنند. ورود زنان به استادیوم‌ها خودبه‌خود امر مهمی است اما مهم‌تر از آن، شکستن یکی از تابوی سیاسی و مذهبی حکومت اسلامی است. اگر این تابو شکسته شود بی‌تردید این حرکت به جداسازی جنسیتی در عرصه‌های دیگر جامعه نیز کشیده می‌شود. به عبارت دیگر، فوتبال به دلیل آن که یک ورزش جمعی و ده‌ها هزار تماشاگر دارد می‌تواند انسان را از خودبیگانگی درآورد و وارد حرکت‌های اجتماعی کند و به همبستگی انسانی منجر گردد. بنابراین، نباید هیچ چیزی انسان را از خود، جامعه و تحولات آن، هر آنچه به آن و محیط زیست و زندگی آن مربوط است دور و بیگانه کند. فوتبال و یا هر چیز دیگری که موجب شود انسان خود را فراموش کند هر چند سرگرم‌کننده باشد، در درازمدت نتایج منفی به بار خواهد آورد و به نفع حاکمان مستبد است.

سه‌شنبه بیست و ششم اسفند(حوت) ۱۳۹۳ - هفدهم مارچ ۲۰۱۵